



## نگاهی نو، به جایگاه شهادت در قرآن کریم

فهم آن موطن برایش محقق نمی‌شود؛ چون یک حقیقتِ مصداقیست!

این نوشته تلاشی است برای فهم مقام شهید. جایگاهی که فقط بیان یک مقام نیست بلکه بیان مقام انسانِ کاملی است که این انسان، در حرکت کمالی به آن درجه می‌رسد.

شهید در قیامت هم با دنیا مرتبط هستند و رابطه‌شان قطع نمی‌شود. چنان که در دنیا خودشان به سوی کمال حرکت می‌کردند و تمام توجه‌شان هدایت دیگران بود؛ می‌خواستند دیگران را هم همراه خود ببرند و حرکت فردی نداشتند. حرکت فردی‌شان عین حرکت جمعی بوده است، وجود آن‌ها توسعه پیدا کرده و «من» آن‌ها گسترده شده بود. مانند امام که در جامعه حرکت می‌کند و به دنبال امام، امت حرکت می‌کند. یک شهید نمادی از یک امام است، به طوری که وقتی حرکت می‌کند به دنبال حرکت او دیگران هم به حرکت در می‌آیند.

ان شاء الله خدای سبحان ما را به این باور برساند و به برکت خون شهیدان به ما باوری بدهد تا در مسیر شهیدان قدم برداریم.

شهید حقیقتی است که آنچه را می‌خواست به ما بگوید با عملش به ما گفت؛ لذا قول شهید همان فعلش بود و تمام حقیقتش را در یک لحظه خلاصه کرد و آن را برای ما نشان داد. پس سخن گفتن در مورد مقام شهید فقط بیان یکسری مفاهیم نیست در حالی که باب شهادت یک مصداق محقق شده است؛ همان‌طور که ما هر چه در رابطه با وجود خداوند متعال بگوییم باز حقیقت وجود باری تعالی یک مصداقی است که نمی‌شود راجع به آن گفتگو کرد. شهید وجودش و عملش به سمتی حرکت کرد که صدق محض شد یعنی حرکت او به گونه‌ای بود که در آخرین نقطه تلاقی قول و فعلش، حقیقت شهادت برای او محقق شد لذا آنجایی که انسان قولش به سمتی حرکت کند که با فعلش مطابق شود همان نقطه، مرز شهادت است چون هیچ گونه تباین و تغایری بین قول و فعل او نیست و او به مقام شاهد رسیده است. پس حقیقت وجودی شهید با بیانش یکی است و شما خوب می‌دانید که بیان فعلی، ابلغ از بیان قولی است و هر چقدر انسان در رابطه با این مسأله حرف بزند اما تا زمانی که آن را نچشیده باشد

قصه انسان در طول تاریخ، قصه عظیمی است؛ اگر در سفر انسان نگاهی کنیم به راحتی درمی‌یابیم که چقدر این سفر طولانی است؛ او از کجا آمده و چه سفرهای دوری را در عوالم غیبی عالم طی کرده تا به اینجا رسیده است و در دنیا چه گردنه‌هایی را باید طی کند تا به عوالم بعد برسد. لذا وقتی به تاریخ نگاه می‌کنیم چه در جانب سعادت و خوبی و چه در جانب شقاوت، بی‌نظیرترین صحنه‌ها را این انسان محقق کرده است. پس خدای سبحان مقدر کرد که انسان‌های متعالی خودشان را نشان دهند تا هیچ کسی نتواند بگوید: من الگویی ندارم!

«يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ»

شهید الگویی برای حرکت انسان هستند البته نباید فکر کنیم آن‌ها اسطوره‌ای غیر قابل دسترس هستند بلکه آن‌ها در حقیقت جوان‌هایی عادی بودند که در یک مسیر و صراطی خاص قرار گرفتند. آن‌ها در ابتلائات قدم‌هایشان را راسخ برداشتند و خدای سبحان نیز این قدم‌ها را تثبیت کرد.



پیش  
گفتار

## حیات شهدا

در قرآن کریم دو آیه مشابه درباره حیات شهدا آمده است:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»  
سوره بقره / آیه ۱۵۴

«وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»  
سوره آل عمران / آیه ۱۶۹

درباره دلالت آیه اول، بسیاری از مفسرین معتقدند که این آیه تنها به شهدای جنگ بدر اشاره دارد، در حالی که آیه دوم به عموم شهدا تعلق دارد و مختص جنگ احد نیست. خدای سبحان دأبش این است عالی‌ترین مباحث اعتقادی را در ضمن حوادث و وقایع بیان می‌کند، چون اذهان در این حوادث آمادگی بیشتری برای دریافت مباحث دارند و در این مواقع، مباحث اعتقادی با جان انسان‌ها بیشتر گره می‌خورد. سبب نزول آیه دوم اشاره به شایعات منافقانی دارد که می‌گفتند کشته شدگان در جنگ هلاک شده‌اند. این تبلیغات پس از جنگ احد، تأثیر منفی بر مردم گذاشت و خداوند برای خنثی کردن این شایعات، این آیه را نازل فرمود.

توجه به تغییر مخاطب در این آیه نیز مهم است؛ آیات قبل خطاب به مومنان بود، اما به خاطر اینکه مردم درست مقام شهدا را درک نمی‌کنند، خداوند سبحان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب قرار می‌دهد. خداوند با این تغییر، مقام شهدا را به پیامبر یادآوری می‌کند و می‌فرماید شهدا زنده‌اند. این موضوع نشان‌دهنده عظمت مقام شهید و اهمیت آن در نظر خداوند است.



**دوران برزخ، دوران تثبیت است؛ یعنی حیات**  
**خلودی انسان در انتهای دوران برزخ، تثبیت می‌شود. لذا مومنینی که «خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا» هستند در دوران برزخ تطهیر می‌شوند تا از اعمال سیئه آزاد شوند و اعمال صالحشان یکسره شود و وقتی می‌خواهند به قیامت وارد شوند تثبیت وجودی آن‌ها کامل و تام شده باشد؛ اما شهید ...**

به همین خاطر است که در روایت داریم «القبر إما حفرة منه من حُفِر النيران أو روضة من رياض الجنة» (امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا قبر باغی از باغ‌های بهشت یا گودالی از گودال‌های آتش جهنم است.) چون وقتی که کسی با اعمال صالح تام وارد شود، آنجا به تعبیر روایات «نم نومة العروس» است یعنی در حقیقت هیچ سختی برای او در کار نیست؛ اما برای کسی که «خلطوا عملا صالحا و آخر سیئا» (اعمال شایسته را با اعمال بد درآمیختند) است با این که مؤمن است، باید دوران تطهیر را بگذرانند، لذا می‌فرمایند که در قبر از برخی مومنین سؤال و جواب می‌کنند؛ اما آن کسی که کافر یا مؤمن محض باشد که تثبیتش محقق شده است؛ دیگر به تعبیر روایات «یلهی عنهم» هستند یعنی آن‌ها از مرحله تطهیر عبور کردند. البته شما فکر نکنید که شهید دیگر دوران قبر و برزخ ندارد؛ چون ما در این دوران علاوه بر تطهیر وجودی، کمال بعد از کمال هم داریم و کسانی که مانند شهدا وجودشان تثبیت شده است صفات وجودیشان در این دوران شکوفا می‌شود؛ لذا شهید این دوران شکوفایی را دارد؛ اما آن تطهیرش در لحظه شهادت برایشان محقق شده است.

از طرف دیگر حیات منحصر به زیستن در دنیا نیست بلکه به معنای موثر بودن در عالم است؛ پس هر چه اثرگذاری بیشتر، حیات بیشتر! لذا خداوند تبارک و تعالی خطاب به مومنین می‌فرماید: شهدا زنده‌اند و در نزد خدا روزی می‌خورند و واسطه‌ی فیض الهی برای مومنین‌اند.

### چگونگی حیات پس از مرگ شهید

مرحوم علامه طباطبایی ره در ذیل آیه‌ی اول، این سؤال را مطرح می‌کنند که مگر تمام مؤمنین بعد از موت، حیات برزخی ندارند؟ ایشان با استناد به ادله‌ای که حیات برزخی و قیامت را اثبات می‌کند، به بررسی این موضوع می‌پردازند که ذکر حیات شهداء به‌طور خاص، در قرآن لغو نیست. برخی پاسخ می‌دهند که مقصود از حیات در این آیه، حیات ذکر جمیل است یعنی حیات حقیقی نیست بلکه بعد از رفتن آنان پادشان باقی می‌ماند. علامه به شدت این سخن را نفی می‌کنند و می‌فرمایند: «این پاسخ سخیفی است که بگوییم شهداء می‌میرند تا دیگران بگویند او چه انسان خوبی بود و حیات را وهمی و خیالی بگیریم.»

ایشان تأکید می‌کنند این گفتار برای کسانی است که به خداوند متعال و حیات بعد از دنیا اعتقاد ندارند، اما فرهنگ شیعه که به حیات پس از مرگ اعتقاد دارد و برای شهداء یادمان می‌گیرد، به خاطر این است که شهدا از حیات دنیوی گذشتند و به حیات ابدی راه یافته‌اند؛ لذا یادواره شهدا نمایش یک حقیقت مصداقی است تا با آن

### تعریف موت و حیات

در ابتدا باید بدانیم لفظ موت، مقابل لفظ حیات است و در عرف موت به معنای بطلان و فناست. اما در اصطلاح موت و حیات دو وجود در نظام الهی هستند. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «خلق الموت و الحیة» یعنی خداوند متعال موت و حیات را خلق کرد، پس موت یک امر عدمی نیست بلکه خلق شده است. حقیقت موت انتقال و جدا شدن از اغیار است؛ لذا جدا شدن از غیر، لحظه به لحظه برای انسان اتفاق می‌افتد که نمونه آن با امراض و نواقص برای انسان مشهود است؛ ولی لحظه مرگ این جدایی به طور کامل انجام می‌شود.



## هادیان

«وَرَأَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجُلًا يَدْعُو وَيَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا تَسْأَلُ فَقَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) إِنْ اسْتَجِيبَ لَكَ أَهْرِيقَ دَمَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»

در روایت شریف ذکر شده است که شخصی داشت اینگونه دعا می‌کرد: خدایا بهترین چیزی که تا به حال از تو خواسته شده را به من اعطاء بفرما! نبی اکرم صلی الله علیه و آله به او خطاب کرد: اگر دعایت مستجاب شود تو به شهادت می‌رسی و خونت در راه خدا به زمین ریخته می‌شود.

مستدرک وسایل الشیعه، ج ۱۱، صفحه ۱۳، حدیث ۲۱

## شاهدان

خاطراتی از حضرت علامه طباطبایی<sup>۱</sup>

## صعود و پرواز شهید

پس از واقعه هفتم تیر نزدیکان و اطرافیان علامه طباطبایی ره نمی‌خواستند خبر شهادت دکتر بهشتی را به علت کسالت علامه، به ایشان بدهند، در همین احوال یکی از اطرافیان علامه طباطبایی ره به اتاق ایشان می‌روند و علامه به او عبارتی بدین مضمون می‌فرمایند: «چه به من بگویند و چه نگویند من آقای بهشتی را می‌بینم که در حال صعود و پرواز است.»

## همدردی با فلسطینیان

در سال ۱۳۴۸، همزمان با جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، ایشان به همراه آیت‌الله حاج ابوالفضل موسوی زنجانی و آیت‌الله شهید مطهری، با انتشار بیانیه‌ای، با محکومیت اسرائیل و اظهار همدردی با مردم مظلوم فلسطین، با افتتاح شماره حساب بانکی، از مردم خواستند به یاری فلسطینی‌ها بپاییزند.

## پی نوشت

۱. یلهی عنهم: روایت «یلهی عنهم» از دسته احادیث معتبر و مقبولی هستند که گروهی از انسان‌ها را از پرسش عالم برزخ معاف معرفی می‌کنند.
۲. معیت الهی: خدا همه هستی را پر کرده است؛ همه جا هست؛ چه در آسمان چه در زمین یا هر جای دیگر. (زخرف، آیه ۸۴) از همین رو خدا همراه همه چیز و در همه چیز است؛ ولی به تعبیر امیرمومنان علی علیه السلام نه مزج و آمیخته (نهج‌البلاغه، خطبه ۱، قسمت ۱)، بلکه این همراهی و معیت خداوند، همراهی قیومی است؛ یعنی به هر چیزی هستی و وجود می‌بخشد. لذا از حقیقت وجودی خودمان به خودمان نزدیک‌تر است.
۳. سوره حجر، آیه ۲۱: (هیچ چیز نیست مگر آنکه نزد ما خزینه‌های آنست و ما نازلش نمی‌کنیم مگر به اندازه معین) شهدا از آن مقدار معین و محدود بهره‌مند نیستند بلکه از خزائن بی انتهای الهی بهره‌مند می‌شوند.
۴. مرتبه فنا: به بیان ساده، انسان، خود و بندگی خود، تمایلات و تمنیات و جهان اطراف خود را در قبال حضرت حق، هیچ می‌پندارد و فقط به خدا نظر می‌کند.

جهت مطالعات تکمیلی و استفاده از متن و صوت مرتبط با موضوع این نشریه، می‌توانید به آدرس زیر مراجعه فرمایید.

سایت تمحیص / دروس المیزان / جلسه ۹۰۸



می‌شود؛ لذا نگاه شهید از جنس نجات دهندگی اجتماعی است؛ چون نجات دهندگی اجتماعی در ذات شهید وارد شده است.

این خیلی بلند است که انسان پایش را از دنیا بیرون بگذارد؛ اما این قدر حیات اجتماعی و نجات دیگران برای او اهمیت داشته باشد که به هدایت دیگران بپردازد. این نشان می‌دهد که شهدا از منی سافل عبور کرده و یک سعی عظیم وجودی پیدا می‌کنند، لذا در آخرت نیز مثل دنیا، دین را اقامه می‌کنند و به دیگران آرامش می‌دهند.

(الْأَخَوْثُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) یعنی ترسی نسبت به آینده ندارند و نسبت به گذشته هم اندوهی ندارند و علت این امر آن است که شهدا به مقام ولایت رسیده‌اند و فهمیده‌اند که

**پیامبر خدا صلی الله علیه و آله:**  
هیچ کسی نیست که بمیرد و نزد خداوند از خیری که بدان خشنود است، برخوردار باشد و (با این حال) دوست داشته باشد به دنیا برگردد، گر چه دنیا و هر چه در آن است از آن او باشد، مگر شهید، که بر اثر مشاهده فضیلت شهادت، آرزو می‌کند به دنیا برگردد تا یک بار دیگر کشته شود.

منتخب میزان الحکمه، ۳۰۶

عالم نداشته باشد و عملش در حد علم ناقص او واقع شود. اما قرآن کریم با عبارت (الْأَخَوْثُ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) به ما نشان می‌دهد که شهدا به مرتبه فنا رسیده‌اند و عملشان بی نقص شده است چون عملشان فنای در عمل ولی الهی شده است و کسی که به این مقام برسد نه نسبت به فعل گذشته‌شان حسرتی از نقص دارند که کوتاهی کردیم یا نتوانستیم درست انجام بدهیم، نه نسبت به آینده شان هراسی دارند که نکنند درست نتوانیم انجام بدهیم.

از طرفی این بشارت و خبر دادن شهدا به دیگران، همان ایجاد روحیه‌ی شهادت‌طلبی در دیگران است که از شهدا به کسانی که پشت سر آن‌ها حرکت می‌کنند منتقل می‌شود؛ لذا همه اعمال پیروان شهدا، توسعه وجود شهدا حساب می‌شود و جزء عمل شهادت است و از این طریق در ذیل ولایت الهی قرار می‌گیرند؛ یعنی شهدا به مرتبه شفاعت رسیدند و مثل انبیا که در روز قیامت شفیع امتشان هستند؛ شفاعت می‌کنند.

با بیان فوق به راحتی می‌توان گفت که حیات نزد رب در دنیا برای شهدا اتفاق افتاده و در آخرت ادامه پیدا کرده است چون آن‌ها در دنیا به مقام فنا در ولایت الهی رسیده‌اند و عاشقانه به سمت شهادت حرکت می‌کنند. (وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ). شهید چون لحظه به لحظه می‌خواست خودش را با اطاعت در فعل، صفات و ذات الهی فنای حق کند، اجرش بر عهده کسی جز خدا نیست.

## حیات عند الرب

پس علت اینکه شهدا حیات ویژه‌ای دارند، این است که حیات آن‌ها، حیات عند الرب است؛ یعنی هم مردم و هم شهدا حیات دارند، ولی فرق در این است که شهدا درک می‌کنند که زندگی در نزد خدا دارند، ولی بقیه مردم غالباً زندگی در نزد خدا را درک نمی‌کنند. مردم درک و شعورشان در برزخ به مرتبه درک و شعوری است که در زندگی دنیایی داشته‌اند و به هر میزان که در دنیا اسباب مادی و معنوی را متصل به خدا دیده‌اند، در برزخ هم حیات عندالرب را درک می‌کنند.

گرچه خداوند متعال طبق آیه (وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ) (و او با شماست هرجا که باشید.)

با همه‌ی اشیاء معیت دارد و هرجا که انسان روی گرداند، خداوند را می‌یابد، اما درک این همراهی برای برخی ممکن است و برای برخی نه! کسی که این مطلب را درک کند، به مقام معیت می‌رسد. لذا قرآن کریم می‌فرماید: حضرت موسی علیه‌السلام این همراهی با خدای سبحان را درک می‌کند: (إِنَّمَا مَعِيَ رَبِّي) یعنی پروردگارم با من است.

البته معیت خداوند با عده‌ای معیت تشریفی و تنصیری است و با عده‌ای معیت اندازی و تهدیدی! (يَسْتَحْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَحْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرًا) نساء ۱۰۸

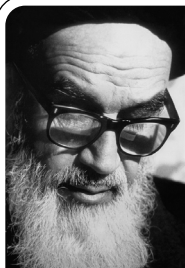
## علائم حیات عند الرب

به طور کلی قرآن کریم برای حیات عندالرب شهدا سه نشانه ذکر می‌کند:

۱. رزق و روزی از خداوند می‌گیرند: (بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ)، شهدا رزق دارند و از خداوند متعال رزق می‌گیرند. بلکه بالاتر از این‌ها به مرتبه‌ای قرب پیدا می‌کنند که نزد رب روزی‌خور هستند و کسی که نزد خداوند روزی‌خور است نه در مراتب دیگر، از خزائن الهی بهره‌مند است نه قدر معلوم! (وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنْزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ) ۳
۲. از نعمت‌های الهی خوشحال می‌شوند: (فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ). شهدا از هدایایی که خداوند سبحان از فضلش به آن‌ها داده است خوشحال می‌شوند و خوشحالی فرع شعور و حیات است. به یقین خوشحالی بما اتاهم الله عین رابطه است که مرتبه‌ای از فنا است.<sup>۴</sup>

۳. نجات‌دهندگی اجتماعی دارند: طبق آیه (وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) شهدا به کسانی که در راه آن‌ها هستند ولی هنوز به آن‌ها ملحق نشده‌اند، بشارت می‌دهند که نترسید و محزون نشوید.

شهید در دنیا در عین این که به سمت قرب الی الله حرکت می‌کند؛ در راه اقامه‌ی دین شهید



وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ. اگر نبود برای شهدا در راه خداوند مگر این آیه کریمه، در معرفی مقام بلند پایه شهدا، کافی بود که عزیزی در راه حفظ اسلام و کشور اسلامی بزرگترین سرمایه خود را از دست داده اند. شهادتی که در حفظ شرف اسلام و دفاع از جمهوری اسلامی همه چیز خود را در طبق اخلاص، تقدیم خداوند متعال کردند.

در این آیه کریمه بحث در زندگی پس از حیات دنیا نیست که در آن عالم همه مخلوقات دارای نفس انسانی به اختلاف مراتب از زندگی حیوانی و مادون حیوانی تا

زندگی انسانی و مافوق آن زنده هستند، بلکه شرف بزرگ شهدای در راه حق، «حیات عندالرب» و ورود در «ضیافه الله» است. این حیات و این ضیافت را با قلمهای شکسته ای مثل قلم من نمی توان توصیف و تحلیل کرد، این حیات و این روزی غیر از زندگی در بهشت و روزی در آن است. این لقاء الله و ضیافه الله می باشد. آیا این همان نیست که برای صاحبان نفس مطمئنه وارد است فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتي که فرد بارز آن سید شهیدان سلام الله علیه است. اگر آن است چه مزده ای برای شهیدان در راه مرام حسین - علیه السلام الله - که همان سبیل الله است، از این بالاتر که در جنتی که آن بزرگوار شهید فی سبیل الله وارد می شود و در ضیافتی که آن حضرت حاضرند، به این شهیدان اجازه دخول دهند که آن غیر از ضیافتهای بهشتی است و آنچه در وهم من و تو و شما نیاید، آن بُود. (صحیفه امام؛ ج ۱۸، ص ۳۳۵ - ۳۳۶)

## سیره تربیتی پیامبران، حضرت موسی علیه السلام، جلد اول



حضرت موسی علیه السلام، دوازدهمین پیامبری است که در سلسله مباحث سیره تربیتی پیامبران الهی در قرآن، مورد بررسی قرار گرفته است. در جلد اول این مجموعه، نویسنده با زبانی ساده و شیوا، به روایت زندگی پر فراز و نشیب این پیامبر بزرگ می پردازد. از کودکی حضرت موسی علیه السلام در خانه ی فرعون تا رسالتش و مبارزه با ظلم و ستم، همه و همه با استناد به آیات قرآن و روایات معتبر، در این کتاب آمده است.

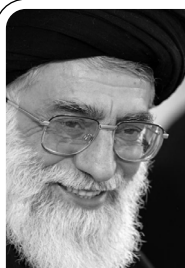
چرا کتاب سیره تربیتی حضرت موسی علیه السلام در قرآن کریم را بخوانید؟  
• نگاهی جامع به زندگی حضرت موسی علیه السلام: این کتاب، تصویری کامل و جامع از زندگی شخصی، اجتماعی و سیاسی حضرت موسی علیه السلام ارائه می دهد.

• کشف رازهای تربیت قرآنی: با مطالعه این کتاب، به رازهای تربیت قرآنی و شیوه های تربیتی پیامبران الهی پی خواهید برد.

• الگوبرداری از شخصیت های قرآنی: شخصیت حضرت موسی علیه السلام به عنوان یکی از کامل ترین انسان ها، الگوی مناسبی برای همه انسان ها است.

• مباحثی برگرفته از برنامه ی سمت خدا: این کتاب، حاصل سال ها تحقیق و بررسی استاد عابدینی در برنامه ی سمت خدا است و به همین دلیل، از جذابیت و عمق خاصی برخوردار است.

## کلام رهبر



آن طرف مرز زندگی و مرگ چه خبر است؟ انسان ها از آن عالم و نشئه ی مجهول چه می دانند؟ در مورد شهدا می دانیم که این ها خرسندند، خوشحالند، مسرورند؛ (فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ). بعد از این بالاتر: (وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ) یعنی با ما دارند حرف می زنند، خطاب می کنند به ما: (أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) ۱۳۹۳/۱۱/۲۷

آن که جانش را در راه خدا از دست می دهد، در روایات داریم که هنوز از این نشئه خارج نشده، علائم رحمت الهی را مشاهده می کند؛ یعنی در روایات دارد به مجرد این که شهید از اسب می افتد هنوز به زمین نرسیده، وعده ی الهی را دریافت می کند. ۱۳۹۵/۹/۱۵

## رویداد

### آغاز به کار نشریه ی تمحیص

این نشریه به عنوان یک راه ساده و آسان برای دسترسی سریع به محتوایی غنی و گسترده، در حدود ۴ تا ۵ هزار صوت، از دروس و صوت های استاد عابدینی طراحی شده است.

با توجه به حجم بالای این محتوا، برای بسیاری از افراد امکان مشاهده و بررسی همه آن ها وجود ندارد و ممکن است این مطالب تا سالان آینده نیز چاپ نشوند. از این رو، نشریه تمحیص به ارائه سرفصل های موضوعات مختلف می پردازد تا مخاطبان بتوانند به راحتی مباحث اصلی را شناسایی کرده و جهت مطالعات تکمیلی به آدرس های اعلام شده مراجعه فرمایند.

همچنین نشریه تلاش می کند با انتشار محتوای متناسب با رویدادها و مناسبت های اجتماعی به نیازهای روز جامعه پاسخ دهد.

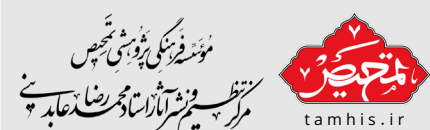
نشریه به گونه ای طراحی شده است که هم به صورت دیجیتال و هم به صورت مکتوب قابل مطالعه باشد. این ویژگی امکان نصب در تابلوی مساجد، کانون های فرهنگی هنری و پایگاه ها و هیأت های مختلف را فراهم می آورد.

همچنین، نشریه تمحیص به افرادی که به دلیل هزینه ی بالای کتاب ها، از دسترسی به منابع علمی محروم هستند، این امکان را می دهد تا به مطالب ارزشمند دسترسی پیدا کنند و برای کسانی که به اینترنت ارزان دسترسی ندارند، این نشریه به عنوان منبعی معتبر و مفید خواهد بود.

با هدف ساده سازی مطالب پیچیده، این نشریه به ارائه محتوای فلسفی و تفسیری به شیوه ای قابل فهم می پردازد. این رویکرد به افراد کمک می کند تا با موضوعات عمیق ارتباط برقرار کنند و به ترویج فرهنگ مطالعه در جامعه کمک خواهد شد. همچنین، با انتشار مطالب مختلف، نشریه، فضایی را برای گفتگو و تبادل نظر میان خوانندگان فراهم می آورد که می تواند به افزایش تعاملات اجتماعی و تبادل ایده ها در جامعه کمک کند.

در نهایت، نشریه تمحیص به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران و دانشجویان عمل کرده و به آن ها در دسترسی به اطلاعات و منابع علمی کمک می کند. این امر می تواند به ارتقاء سطح علمی جامعه و پژوهش های مرتبط با موضوعات مختلف منجر شود و به عنوان راهی سریع و آسان برای بهره مندی از محتوای ارزشمند استاد عابدینی عمل کند.

## ارتباط با ما



پیام رسان های اجتماعی .....  
سامانه پیام کوتاه: ۹۰۰۰۶۸۱۹  
شماره تماس: ۰۲۵۳۳۵۵۶۲۵۰